

از قسمت موتوری تا دفتر شعر

«حبيب الله رجبعلى» از آنهایی است که در این مسجد عمری سپری و مویی سفید کرده‌اند. از آن جوان‌های انقلابی که سرشان پرشور بود و پیشقدم هر کاری بودند. ۷۷ ساله و بازنشسته نیروی هوایی است. در بدو تأسیس حوزه هنری او را دعوت می‌کنند تا قسمت موتوری سازمان تبلیغات را راه بیندازند. شمرده شمرده برای ما تعریف می‌کند: «آن زمان مجله‌ای منتشر می‌شد که محمد آوینی سردبیرش بود و من هم مسئول صفحه شعرش بودم. جلسات شعر حوزه هنری تشکیل شد و خدا بیامرز حسن حسینی، قیصر امین پور و خیلی از شاعرانی که بعدها معروف شدند پای ثابت این جلسات شعر بودند. مجله ما حدود ۶۰ شماره بیرون آمد. جوان بودیم خستگی را متوجه نمی‌شدیم؛ در مسجد جامع ابوظهر هم فعالیت‌های فرهنگی انجام می‌دادیم. در کل می‌خواهم بگویم که روزهای بسیار خوبی بود روزهایی که همه بدون هیچ چشمداشتی و فقط برای رضای خدا کار می‌کردند.»

جلد ۱۱۵ کتاب رهبر معظم انقلاب در کتابخانه مسجد

«عبدالله قلعه‌وند» از اهالی قدیمی این محله و بازنشسته کارگاه صحافی است. تعریف می‌کند: «کانون پرورش فکری، اسم مراکزی بود که در محله‌ها همینطور به سرعت رشد می‌کردند و هر روز یکی افتتاح می‌شد. افرادی که بیشتر اهل تفکر بودند متوجه شدند که این مراکز با رنگ و لعاب قشنگی که ساخته، در حال تبلیغ غرب‌گرایی است. از همان جا بود که روحانیون خواندن کتاب‌های اسلامی و دینی را برای جوان‌ها و نوجوان‌ها در اولویت قرار دادند. تا مبارزه علیه غرب‌گرایی رقم بخورد. با تبلیغات وسیع و پنهانی روحانیون، بچه‌های مسجد جذب خواندن کتاب‌های دینی و اجتماعی می‌شدند. خوب یادم است که تعدادی از کتاب‌های دینی و اسلامی شهید مطهری و آقای شریعتی را بین نوجوان‌ها توزیع می‌کردند. شاید برایتان جالب باشد بدانید ربط من با قصه کتابخوانی جوان‌های آن روز گار چیست؟ راستش من خیلی در این فضاها نبودم. فقط در کارگاه صحافی کار می‌کردم و هر از گاهی کتاب‌های همسایه‌ها که از جلد در آمده بود یا ورق شده بود را به کارگاه می‌بردم و برایشان صحافی می‌کردم. تا اینکه یکی از این کتاب‌ها به دست من رسید. آن روزها آنقدر این کتاب‌ها پنهانی دست به دست می‌شد که مدام ورق ورق می‌شدند. من فقط توانستم همین خدمت را به جوان‌ها داشته باشم که به دور از چشم همکاران و مدیر صحافی کتاب را مرتب تحویل نفر بعدی بدهم. من شاهد بودم که آن روزها بچه‌ها برای خواندن این کتاب‌ها چه سر و دست‌هایی می‌شکستند. الحق که متولیان این مسجد در همان ابتدای کار، تبلیغات وسیعی را شروع کردند که آثار آن همچنان باقی است. جوان‌هایی که بعدها عازم جبهه شدند. همین حالا هم مسجد ابوظهر یک کتابخانه ۱۳ هزار جلدی دارد و رهبر معظم انقلاب هم ۱۱۵ جلد کتاب شامل ۴۳ عنوان را به این کتابخانه اهدا کرده‌اند و با این هدیه کتابخانه محله ما متبرک شده است.»

